زیر آسمان فیروزه‌ای

همزمان با روز معمار انجام شد

معرفی برندگان هشتمین دوره جایزه میرمیران

● **شرق:** همزمان با سالروز تولد شیخ بهایی و روز معمار هشتمین دوره جایزه میرمیران در خانه هنرمندان برگزار شد و برندگان این جایزه معرفی شدند. در ابتدای این مراسم پروفسور «ایرج اعتصام» به چگونگی شکل‌گیری بنیاد «میرمیران» اشاره کرد و گفت: «مرحوم میرمیران دایم به این مساله فکر می‌کردند که بنیادی ایجاد کنند که در آن دانشجویان و علاقه‌مندان به رشته معماری بتوانند موضوعات جدید معماری دنیا و ایران را در آن دنبال و بررسی کنند تا رشته معماری همواره زنده و پویا باقی بماند و کارایی حقیقی خود را حفظ کند. پس از درگذشت استاد «میرمیران» برای حفظ این بنیاد، مسابقاتی را در نظر گرفتیم، همه این مسابقات براساس تحقیقات و یافته‌های ما از سایر مسابقات در کشورهای اروپایی و آمریکایی در زمینه موضوعات معماری بود، با گذشت زمان این مسابقات منظم و منسجم‌تر شد، البته امروز هم‌چنان مشکلاتی در این زمینه وجود دارد که امیدوارم با همکاری وزارت راه و شهرسازی بتوانیم این مشکلات را حل کنیم».

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به تاریخچه مسابقات این بنیاد پرداخت و گفت: «تا به امروز در بنیاد «میرمیران» هشت دوره را برگزار کردیم، هشتمین دوره، دوره‌ای که در آن هستیم دوره معماری و سینماست. اولین دوره به نفرات برتر کنکور سراسری و آزاد اختصاص داشت. دومین دوره به پایان‌نامه‌های برتر کارشناسی پرداختیم. از دوره سوم به طرح موضوعات مفهومی پرداختیم؛ دوره سوم به رابطه عناصر طبیعی همچون نور با معماری اختصاص داشت. دوره چهارم به رابطه آب با معماری پرداختیم، دوره پنجم معماری و طبیعت سبز، دوره ششم معماری باد و خاک، هفتمین دوره معماری فردا با رویکرد مسکن و هشتمین دوره به معماری و سینما اختصاص داشت، در این دوره برخلاف دوره‌های گذشته میزان مشارکت بیشتر بود، همچنین با توجه به موضوع متفاوت این دوره از متخصصان خارجی نیز استفاده کردیم تا داوری‌ها دقیق و درست صورت بگیرد». در ادامه این مراسم پیام دکتر «عباس آخوندی» وزیر راه‌وشهرسازی برای حاضران به مناسبت روز معمار قرائت شد. در بخش دیگری از این مراسم «احمد مسجدجامعی» رییس شورای شهر تهران با گرامی‌داشتن روز معمار به ضرورت اتخاذ نگرشی معمارانه اشاره کرد و گفت: «امروز شهر تهران نیاز به نگرشی معمارانه دارد، نیاز به نگرش کیفی نسبت به شهر و زندگی شهروندان دارد، امروز از لحاظ کمی کارهای بسیار زیاد و ارزشمندی انجام شده است اما هریک از این کارها آیا توانسته است سطح کیفی زندگی افراد در شهر را نیز بهبود ببخشد؟ قطعا توجه به این موضوع و پرداختن به آن یکی از وظایف جدی امروز ماست». وی در ادامه گفت: «درواقع توجه به فرهنگ و عناصر آن برای طراحی شهر، می‌تواند در بهبود سطح کیفی زندگی افراد تاثیر بسیار زیادی داشته باشد». «احمد مسجدجامعی» با اشاره به زنده‌نگاه‌داشتن روح شهر گفت: «تنها با نگرشی معمارانه می‌توانیم به تمام وجوه شهر بپردازیم و هنگامی که به تمام وجوه شهر از ابعاد کالبدی تا مولفه‌های فرهنگی پرداختیم، می‌توانیم روح شهر را زنده نگاه داریم». در ادامه این مراسم دکتر «مازیار حسینی» معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران با تاکید بر ضرورت داشتن یک معماری فاخر گفت: «ما در ساخت‌وسازهای امروز خود به معماری فاخر نیاز داریم، آنچه در گذشته ساخته شده است و ما امروز آنها را می‌بینیم، دارای روحی از زیباشناسی و تناسبات است که ناخودآگاه انسان را به‌سمت تعالی سوق می‌دهد، در واقع هنر معماری در اینجا تجلی پیدا می‌کند، همانطور که ما آنطور که می‌خواهیم ساختمان‌ها را می‌سازیم، ساختمان‌ها نیز با تمام وجود و قامت خود روی ما تاثیر می‌گذارند، پس با داشتن یک معماری فاخر می‌توانیم ساختمان‌های شهر خود را به‌گونه‌ای بسازیم که تاثیر مثبتی روی ما داشته باشند». در ادامه این مراسم دکتر «روح‌اله حسینی» پیام دکتر «حجت‌اله ایوبی» معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رییس سازمان سینمایی را برای حاضران قرائت کرد. در بخش‌های دیگری از این مراسم «شادمهر راستین» و دکتر «داراب دیبا» نیز به نکاتی درباره رابطه بین سینما و معماری پرداختند. در پایان، جوایز هشتمین دوره مسابقات بنیاد معماری میرمیران، با عنوان «معماری و سینما» به برگزیدگان اهدا شد. براساس اعلام هیات داوران این دوره از جایزه میرمیران، موسی عزیزی توانست عنوان نخست جایزه معماری میرمیران را کسب کند و علاوه بر لوح یادبود، برنده جایزه شش‌میلیون تومانی نیز شود. عنوان دوم نیز به طرح گروهی مهدی احمدی، افشین برزگر و سعید سیفی رسید و علاوه بر لوح یادبود توانستند جایزه سه‌میلیون تومانی را نیز به دست بیاورند. عنوان سوم همراه با لوح یادبود و جایزه یک‌ونیم‌میلیون تومانی هم مشترکا به سعیده ضیغمی و عماد سیرانی رسید.

عکس: متین خاکپور

دولت‌آبادی، تقوایی، موحد و شایگان به «بزرگداشت» رفتند

«یک گل سرخ» برای «نجف»

شرق: تنها جنوبی‌ها نبودند که به استقبال پسر ناخلف رفتند. محمود دولت‌آبادی، داریوش شایگان، پرویز کلانتری و محمدعلی موحد هم به ناصر تقوایی پیوستند تا شب نجف دریابندری در میان دوستدارانش شکل بگیرد. شب نجف دریابندری با حضور محمود دولت‌آبادی، ناصر تقوایی، محمدعلی موحد، داریوش شایگان، مصطفی ملکیان، جلال خالقی‌مطلق، سیروس ابراهیم‌زاده، حسین محجوبی، جمشید ارجمند، پرویز کلانتری، محبوبه مهاجر، محمود امیدسالار، رضا جعفری و... عصر چهارشنبه، سوم اردیبهشت از سوی مجله بخارا برگزار شد. محمود دولت‌آبادی، نویسنده نامدار ایرانی یکی از سخنرانان این مراسم بود که در توصیف دریابندری گفت: «اول قصد داشتم به‌جای صحبت در اینجا داستان یک گل سرخ برای امیلی را بخوانم که یکی از آثار بی‌نظیر ادبیات مدرن است و با این کار همه را غافلگیر کنم که مگر ممکن است در یک جلسه‌ای کسی بیاید و داستانی برای همگان بخواند؟ اما به‌نظرم رسید که شاید امکان نداشته باشد. پس فکر کردم من از نجف دریابندری چه چیزی یاد گرفتم. یادگیری آدمی مثل من یادگیری مَدرسی نیست. یادگیری آدمی مثل من، تا آنجا که متوجه شدم مثل تنفس هواست. اخیرا کسی از من پرسید شما از کدام نویسنده متاثر هستید یا یاد گرفتید. گفتم من از همه یاد گرفتم. یادگیری من هم از همین مایه بوده است. وقتی برمی‌گردی و به آثار واقعا دوستانه نجف دریابندری مراجعه می‌کنی، می‌بینی از آقای دریابندری علاوه بر آن تنفس هوا نکات مهمی یاد گرفته‌ای.»

نویسنده «جای خالی سلوچ» سپس این موضوع را بیان کرد که دریابندری نگاه واقع‌بینانه به یک اثر یا نویسنده را رواج داد: «نجف دریابندری به من یاد داده است که می‌شود همه ارزش‌ها را دید، شناخت و درباره‌شان داوری واقع‌بینانه کرد. نجف به من یاد داده است که هیچ پدیده‌ای مهم‌تر از خود آن پدیده نیست. نجف برای نخستین بار نگاه دیگری را به بوف کور باز کرد که به‌زودی هم بسته شد، نگاهی که آدم‌هایی مثل من را از احوالات مجذوبیت صرف نسبت به یک نویسنده و یک اثر دور کرد تا از این احوالات فاصله بگیریم و واقع‌بینانه‌تر نگاه کنیم.»

او افزود: «این کار را با نویسندگان خارجی هم که آثارشان را ترجمه کرده، انجام داده است. اگر می‌خواهید همینگوی نویسنده مهم قرن بیستم آمریکا را بشناسید باز هم می‌بایستی به پیشنهاد من، به ترجمه‌ها و نقطه‌نظرهای انتقادی نجف توجه کنید. اگر می‌خواهید که ویلیام فاکنر را بشناسید باز هم باید به نگاه دریابندری دقیق شوید و اگر بخواهیم دکتروف را بشناسیم به طریق اولی.»

نویسنده کلیدر در مورد تاثیر نویسندگانی مانند دریابندری بر ادبیات عنوان کرد: «نویسندگانی مثل نجف به ما می‌گویند به اسامی که برای ما خیلی مهم و بزرگ هستند که در واقعیت‌شان هم چنین هستند، می‌توان نگاه واقع‌بینانه و انتقادی داشت.»

پس از آن ناصر تقوایی، کارگردان شناخته‌شده سینمای ایران نحوه آشنایی خود را با دریابندری در آبادان روایت کرد: «من عاشق خلاصه داستان فیلم‌هایی بودم که قرار بود در سینمای شرکت نفت آبادان به نمایش دربیاید. این فیلم‌ها به زبان اصلی نمایش داده می‌شد و اکثر ما زبان انگلیسی نمی‌دانستیم. در خبرهای روز همیشه خلاصه‌ای از این فیلم‌ها بود که برای ما مثل راهنمایی بود تا فیلم‌ها را بفهمیم. فیلم‌ها در دو سانس در سینما تاج آبادان نمایش داده می‌شد و تقریبا با فاصله چند ماه از تولید این فیلم‌ها در آمریکا یا اروپا نمایش داده می‌شدند. خلاصه داستان‌هایی که نجف دریابندری برای این فیلم‌ها می‌نوشت، ندانستن زبان انگلیسی را برای ما جبران می‌کرد» تقوایی به اهمیت خلاصه‌های این مترجم از فیلم‌های آن روزها اشاره کرد: «خلاصه داستان فیلم‌ها که برگرفته از نگاه نجف بود، به من تربیتی در تماشای فیلم داد. من فیلم را از دیالوگ‌هایی که ردوبدل می‌شد، نمی‌فهمیدم. من فیلم را از ساختارش می‌فهمیدم و این کار مانند میراثی از همان دوران برای من باقی ماند.»

کارگردان «ناخدا خورشید» دیگر خصوصیات آثار دریابندری را چنین برشمرد: «مهم‌ترین ویژگی نجف آن است که مترجمی را به‌عنوان کسب و کار انتخاب نمی‌کند. ترجمه عشق زندگی‌اش بود. کتابی را که خوانده بود، مال خود می‌کرد و یک‌بار تحریرش می‌کرد و این میراث نجف دریابندری است.»

محمدعلی موحد، مورخ و پژوهشگر فرهنگ نیز در مورد دریابندری گفت: «نجف از آنها نیست که متاعشان تفاخر به حضور چندصباحی در سر کلاس فلان احیانا و گذراندن رساله‌ای با یکی از آن اساتید خلاصه شود و از همین‌رو سخنش از باد و بروت فضل‌فروشی و علامه‌نمایی خالی است. او در نوشته‌هایش مثل یک دوست با شما حرف می‌زند. در پی هیچ کشفی نیست. در مصاحبت او احساس ثقل و سنگینی نمی‌کنید.»

موحد با یادی از محمد زهرایی، ناشری که مرداد سال ۹۲ درگذشت، ادامه داد: «در این همایش جای محمد زهرایی خالی است. زهرایی در سال‌هایی که نجف به لحاظ جسمی و روحی دچار بحران شدید بود با نهایت مهر و شفقت مواظب حال او بود. اگر مراقبت‌ها و مهربانی‌های او نبود، شاید امشب ما سعادت آن را نداشتیم که نجف را در میان خود ببینیم.»

همچنین منوچهر انور، کارگردان، نویسنده و مترجم از آشنایی خود با دریابندری گفت: «زمانی که پیشنهاد همایون صنعتی‌زاده را پذیرفتم و به انتشارات فرانکلین رفتم، نخستین کارم کتابخوانی و تهیه گزارش برای کتاب‌ها بود اما بعد از آن طبق خواسته صنعتی‌زاده به ویراستاری که در آن موقع کاری نویی در ایران بود، پرداختم. طولی نکشید که فهمیدم کاری نیست که بتوان به‌تنهایی و یک‌تنه انجام داد و به صنعتی‌زاده گفتم باید کسان دیگری را به این مجموعه آورد و او نیز بلافاصله پذیرفت. به این ترتیب بود که نخست دکتر فتح‌الله مجتبایی آمد و پس از آن به دنبال معرفی دکتر عبدالرحیم احمدی با نجف دریابندری آشنا شدم و همین آشنایی سنگ‌بنایی شد که نجف به فرانکلین بیاید و همکاری با این موسسه را به‌عنوان ویراستار آغاز کند.»

نویسنده دیگر این مراسم ایرج پارسی‌نژاد بود که در مورد دوستی خود با دریابندری گفت: «من در این ۵۰سالی که با نجف دریابندری انیس و مونس بوده‌ام و پدران ما نیز با هم رفاقتی خالصانه مخلصانه داشته‌اند، به علت حشرونشر خانوادگی و همکاری در موسسه فرانکلین، ارادت و اعتقاد به او، به سواد، شعور و شرف، قدرت فکر و حدت ذهنش حرف‌های زیادی دارم که در این فرصت کوتاه نمی‌گنجد. آنقدر هست که می‌توانم بگویم نجف دریابندری مثل اسمش یگانه است. خلقیاتش، حرف‌هایش، روایتش، طنز و ترجمه‌اش همه خاص خود اوست.»

حسین معصومی‌همدانی، سخنران بعدی بود که در نقد آثار دریابندری اظهار کرد: «نثری مثل نثر دریابندری، نثری نیست که صرفا در اثر خواندن کتاب‌ها حاصل شود. اگر این تجربه زیستن در قالب نثر او وجود نداشت شاید می‌توانست به نویسنده مقلد نثر قاجاری در دوران معاصر تبدیل شود. نثر آن دوران یک ظاهری به بعضی اصطلاحات و نامه‌ها و اشیا می‌چسباند و نیز سعی بر تکرار آنها داشت، در صورتی که نثر دریابندری تکرار هیچ‌یک از متون کلاسیک فارسی نیست و اگر کسی بخواهد به سبک دریابندری بنویسد، نمونه موفقی بیرون نخواهد داد. تنها کاری که با نثر او می‌توان انجام داد، همان کاری‌است که وی با نثرهای دیگر انجام داده است که همانا غوطه‌ای است عمیق در عمق نثر و استفاده از بهره ماحصل این تجربه در اثر خود.»

صفدر تقی‌زاده، مترجم و نویسنده نیز موفقیت دریابندری را به تلاش و کار مستمر او مرتبط دانست: «در هر دهه یا چنددهه‌ای کسانی ظهور می‌کنند با نوعی ادراک غریزی یا قریحه ذاتی که اگر در مسیری درست بیفتد، آثاری عالیقدر و ماندگار بر جای می‌گذارند و مایه افتخار سرزمین خود می‌شوند. عده‌ای هم البته هستند که با تمرین و کار مستمر و زیاد چیزهایی فرامی‌گیرند و با نوعی فوت‌وفن اکتسابی آثاری می‌آفرینند. دریابندری بی‌شک از دسته نخست است»

با اتمام سخنرانی‌ها قسمتی از فیلم مستند «باز هم زندگی» به کارگردانی بیژن بیرنگ و کلیپی از دریابندری و آثارش ساخته مجید عاشقی به نمایش درآمد و در ادامه پرتره نجف دریابندری اثر فخرالدین فخرالدینی از سوی ایرج پارسی‌نژاد و ناصر تقوایی به وی اهدا شد. دریابندری هم از مجله بخارا، سخنرانان و تمام حاضران برای برپایی این مراسم تشکر کرد و در بخش پایانی گروه لیان به سرپرستی محسن شریفیان به اجرای موسیقی پرداخت.

خبرسازان

کمیته ویژه شورای شهر برای بررسی وضعیت موزه «تناولی»

● **شرق:** رییس کمیته هنر شورای اسلامی شهر تهران با انتقاد از اتفاقاتی که در واپسین روزهای سال گذشته برای آثار پرویز تناولی رخ داد، از تشکیل کمیته ویژه‌ای برای رسیدگی به این اتفاقات و احیای موزه پرویز تناولی خبر داد. سیدعبدالحسین مختاباد، رییس کمیته هنر شورای شهر تهران، صبح جمعه، پنجم‌اردیبهشت با حضور در منزل پرویز تناولی، مجسمه‌ساز و نقاش پیشکسوت درباره مشکلاتی که در سال‌های اخیر بر سر راه موزه وی پیش آمده است، با او گفت‌وگو کرد. در این دیدار پرویز تناولی به همراه دخترش درباره اتفاقات رخداده در آخرین روزهای سال گذشته، ورود ماموران سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران به منزلش و انتقال نامناسب آثار که موجب صدمه‌دیدن برخی از آثار و سقوط یکی از آنها از جرثقیل شد، صحبت کرد. تناولی سپس شرحی از دعوای حقوقی که از زمان شهردارشدن محمود احمدی‌نژاد بود به‌دنبال آن تعطیلی موزه‌اش و رای‌های صادرشده از سوی شعبه‌های مختلف دادگاه‌ها در خصوص این دعاوی ارایه کرد. مختاباد با ابراز تاسف شدید از اتفاقات رخداده در جریان حمل آثار تناولی و نحوه برخورد و ورود ماموران به منزل این هنرمند گفت: «وقتی هنرمندان و مسوولان باید درباره مشکلات و مسائل در کمال آرامش، در محیطی دوستانه و همراه با احترام با یکدیگر گفت‌وگو کنند.» رییس کمیته هنر شورای شهر تهران تصریح کرد: «خوشبختانه از نحوه ورود ماموران به منزل استاد تناولی و نحوه انتقال آثار و اتفاقات رخداده فیلم تهیه شده است و در اختیار کمیته هنر قرار گرفته است، همچنین گزارش ماموران انتظامی حاضر در محل و شاهدان عینی نیز موجود است و این قضیه به صورت ویژه در کمیته‌ای که به همین منظور در روزهای آینده تشکیل خواهد شد، بررسی می‌شود.» وی با اشاره به شأن و جایگاه آثار پرویز تناولی در دنیا و به ویژه مجموعه آثار «هیچ» او، خاطرنشان کرد: «تمام تلاش خود را برای احیای موزه استاد پرویز تناولی به کار خواهیم بست و انشاءالله با همراهی شهرداری تهران در آینده نزدیک، شاهد افتتاح موزه پرویز تناولی در منزل ایشان خواهیم بود.»

«هانس هولاین» درگذشت

وداع با طراح ویترین‌های موزه آبگینه

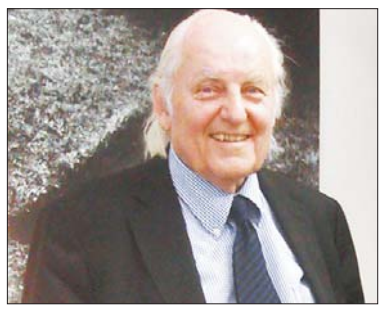

شرق: هانس هولاین، معمار آثار بزرگ اتریشی در ۸۰سالگی در زادگاهش، وین درگذشت. هولاین یکی از مشهورترین معماران جهان بود که در کارنامه کاری خود ساخت بناها و طراحی داخلی مشهوری داشت که از آن میان می‌توان به طراحی ویترین‌های موزه آبگینه و سفالینه ایران اشاره کرد. ویترین‌های این موزه که در خانه قدیمی قوام‌السلطنه در خیابان سی‌تیر ساخته شده است یکی از نمونه‌های منحصربه‌فرد ویترین‌های موزه‌ای است که در ایران طراحی شده است. او ویترین هر دوره تاریخی و هر سالن را بر اساس ویژگی‌های آن دوران طراحی کرده و با نورپردازی ویژه، آن را برای نمایش سفالینه یا آبگینه‌ها ساخته است. اما او جدا از طراحی داخلی این موزه یکی از مهم‌ترین و مشهورترین معماران جهان بود که در سال ۱۹۸۵ برنده معتبرترین جایزه معماری جهان یعنی «پریتزکر» شد. هیات‌داوران این جایزه هانس هولاین را به‌عنوان استاد حرفه خودش شناختند؛ کسی که با لطافت طبع و ذوق منحصربه‌فردی از میان دنیای گذشته و سنتی، دنیای جدید را منعکس می‌کند طوری که منحصرا به همان حالت قدیمی شباهت دارد. او با آنکه به هنرهای دیگری چون طراحی داخلی و طراحی جواهر هم تسلط داشت اما معماری را برتر از همه هنرها می‌دانست. او در نقل‌قولی گفته بود که همه‌چیز در معماری خلاصه شده است. از هانس هولاین طراحی‌ها و مدل‌های خارق‌العاده‌ای به‌جا مانده است، از جمله اتاق‌های قابل تحرک به‌عنوان دفتر کار یا اتاق‌هایی با دیوارهای بادکنکی. او همه عمر شیفته موضوع ارتباطات بود. دفاتر ترانسپارنس بادکنکی نیز با همین نگاه طراحی شده‌اند. در طراحی‌های او جای هیچ‌چیز خالی نیست؛ مبلمان، دستگیره در، پیانو و بسیاری دیگر. هانس هولاین از قدیمی‌ترین معماران سبک پست‌مدرن است. او در کارهای خود از مبانی تصویری و زبان اشکال غیرگونه‌ای و غیرساختاری استفاده می‌کرده و پوشش‌های سنگ‌تراشی‌شده در روش‌های مختلف در ساختمان‌های او به چشم می‌خورد. در دهه ۱۹۶۰ به‌عنوان یک منتقد به‌ویژه در سخنرانی‌ها، نوشته‌ها، طراحی‌ها و پروژه‌هایش فعالیت می‌کرد. به این اصل معتقد بود که معماری همه‌چیز است. در یکی از سخنرانی‌هایش می‌گوید: برای من معماری یک هنر است. برای من معماری ابتدای همه‌چیز است. معماری حل‌کردن یک مشکل نیست بلکه یک فرمول و راه‌حل است. او در سال‌های میانی زندگی‌اش به معماری‌های بزرگ و غول‌آسایی آورد که کمترمعماری به‌سراغ ساخت آنها می‌رفت. هولاین در ماه مارس ۱۹۳۴ در وین زاده شد. در آمریکا درس خواند و در سال ۱۹۶۴ اولین دفتر معماری خود را افتتاح کرد و بسیاری از آثار بزرگش را از آن دفتر آغاز کرد. او یکی از معمارانی است که وسعت کارهایش از اروپا تا چین و از ژاپن تا آمریکا و عربستان‌سعودی، در آن می‌گنجد. هولاین خالق شاهکارهای شاخص هنر معماری در آلمان از جمله موزه صومعه کوهی در مونشن‌گلادباخ، موزه هنرهای مدرن در فرانکفورت و ساختمان سفارت اتریش در برلین است. همچنین از دیگر کارهای او که شهرت جهانی دارند، می‌توان به موزه آتشفشان در فرانسه، گالری هاس‌هاوس در وین، آسمانخراش‌هایی در تایوان و ساختمان چند بانک در اسپانیا، عربستان و پرو اشاره کرد.

«ماه‌گل مهر» درگذشت

شرق: ماه‌گل مهر بازیگر نمایش «دایی وانیا»ی اکبر زنجانپور بعد از دوره‌ای دست‌وپنجه نرم‌کردن با سرطان، چشم از جهان فروبست. او بازیگر تئاتر بود و با کارگردانان شناخته‌شده‌ای چون بهرام بیضایی، محسن حسینی‌نسب و اکبر زنجانپور همکاری کرده بود. آخرین حضورش روی صحنه در نقش «سونیا» دایی وانیای اکبر زنجانپور بود که سال گذشته در سالن اصلی تئاتر شهر به صحنه آمده بود. او خواهرزاده رویا نونهالی بازیگر سینما و تئاتر بود. پیکر این بازیگر تئاتر براساس تصمیم خانواده‌اش دیروز در روستای «تاکر» از بخش بلده شهرستان نور استان مازندران به خاک سپرده شد. مراسم یادبودی نیز توسط خانواده این هنرمند فقید تئاتر ایران در تهران برگزار خواهد شد که جزییات آن در آینده اعلام خواهد شد. بازی در نمایش‌های مجلس شبیه در ذکر مصایب استاد نوید ماکان و همسرش مهندس رخشید فرزین به کارگردانی بهرام بیضایی، سه مرثیه هذیان به کارگردانی روزبه حسینی و بازی در نمایش «دایی وانیا» به کارگردانی اکبر زنجانپور در زمستان سال گذشته از جمله آثاری است که وی در مقام بازیگر در آنها حضور داشته است. به دنبال درگذشت ماه‌گل مهر، حسین طاهری رییس مرکز هنرهای نمایشی در پیامی درگذشت او را تسلیت گفت. همچنین دو نمایش «سه روایت از زندگی» به کارگردانی سیما تیرانداز و «الماس و شهر تارا» میثم یوسفی به روح او تقدیم شد.